

با ارتقای سهم نیروی انسانی در ارزش افزوده تولید ناخالص داخلی جهش صادرات میسر می‌شود

اشاره:

جهش در صادرات غیرنفتی (اعم از کالا و خدمات) محور توسعه در سومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۸۳-۱۳۷۹) انتخاب شده است. در راستای دستیابی به این هدف، به ویژه در سه سال نخست اجرای برنامه، دولت تلاش‌هایی را برای هموار ساختن مسیر توسعه صادرات، حذف موانع و مقررات‌زدایی و... انجام داده که تا حدودی در رشد صادرات مؤثر بوده است. با این حال هنوز توانمندی‌های بالقوه بسیاری در اقتصاد کشور باقی است که می‌تواند در جهش صادراتی مؤثر باشد که به‌درستی به کار گرفته نشده است.

رقابت فشرده در دنیای امروز، بنگاه‌های اقتصادی را به رشد کارایی و کاهش هزینه تمام شده کالا و خدمات همراه با ارتقای کیفیت آنها فرامی‌خواند و فقط آن دسته از فعالان اقتصادی توان رقابت خواهند داشت که بتوانند به طور مستمر کارایی خود را ارتقا دهند. یکی از عوامل مهم در ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، تکیه بر توسعه منابع انسانی است که می‌تواند در جذب فناوری‌های نوین و تولید و عرضه کالاها و خدمات با کیفیت بالاتر و رقابتی مؤثر باشد. متأسفانه در ایران به این مقوله کم‌توجهی شده است.

در این مقاله به بررسی نقش نیروی انسانی در رشد صادرات می‌پردازیم.

نیروی انسانی در بالا بردن سطح تولید و استفاده بهینه از منابع، نقش مؤثری دارد. بر اساس شاخص‌های موجود، ارزیابی توسعه‌یافتگی کشورها به نقش سرمایه‌های نیروی انسانی در ایجاد ارزش افزوده در آن کشورها بستگی دارد.	بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در ژاپن نقش نیروی انسانی در تولید ناخالص داخلی، سالانه بیش از ۷۰ درصد است، در حالی که این شاخص در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران متفاوت و در حدود ۲۰ درصد است.	با توجه به آن که بحث اشتغال از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مسؤولان کشور است، یکی از رسالت‌های دولت و تشکل‌های مردمی، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای حضور متخصصان در مشاغل و فعالیت‌های مختلف اقتصادی
--	--	--

در بخش خدمات، شمار فارغ التحصیلان فعال در بخش‌های مختلف به نسبت بهتر از بخش‌های کشاورزی و صنعت است، اما این بخش نیز با بیکاری فزاینده فارغ التحصیلان روبه‌رو است.

به عقیده کارشناسان اقتصادی، برای جهش صادرات غیرنفتی (اعم از کالا و خدمات)، تولید و عرضه قابل رقابت در بازارهای بین‌المللی حایز اهمیت است. این امر به دو مقوله ارتقای کیفیت و کاهش قیمت بستگی دارد. ارتقای کیفیت کالاها و خدمات نیازمند بهره‌گیری از دانش و فناوری روز است که به دست توانای متخصصان و کارشناسان امکان‌پذیر است و کاهش قیمت یا ارایه قیمت‌های رقابتی نیازمند افزایش کارایی و به‌ویژه کارایی نیروی انسانی (از سطوح پایین تا مدیریت بنگاه‌های اقتصادی) است.

با این وصف، توسعه نیروی انسانی برای دستیابی به جهش صادراتی در کنار دیگر عوامل نظیر ایجاد ساختارهای مناسب اقتصادی، ایجاد فضای قانونی مستعد و اجتناب از مقررات زاید و دست‌وپاگیر و انجام اصلاحات (پولی، مالی، ارزی و...) نقش مؤثری دارد.

یکی از مباحثی که در بخش صادرات صنعتی و خدمات فنی و مهندسی، پیوسته مدنظر کارشناسان

حالی است که طبق آمارهای موجود از مجموع یکصد هزار دانش‌آموخته رشته کشاورزی، هم‌اکنون ۳۵ تا ۵۰ هزار نفرشان بیکار هستند و با احتساب دانش‌آموختگان این رشته که در حرفه‌های دیگر و برخی مشاغل کاذب فعالیت دارند، بیش از نیمی از فارغ التحصیلان این رشته در جایگاه شغلی واقعی خود قرار ندارند. در همین حال امور کشاورزی به‌دست کشاورزان بی‌سواد یا کم‌سوادی انجام می‌شود که حتی از دوره‌های آموزشی نیز به لحاظ فقدان درک درست از مباحث مطروحه نمی‌توانند به خوبی بهره‌برداری نمایند.

در بخش صنعت نیز شمار متخصصان و کارشناسان و مهندسان صنایع به نسبت جمعیت فعال در این بخش بسیار کم است و بخش قابل توجهی از تولیدات صنعتی (به‌ویژه محصولات نیمه‌ساخته) به دست صنعتگرانی صورت می‌گیرد که به علوم و فناوری روز رشته کاری خود آشنایی کامل ندارند. این امر از یک طرف بازده تولید را کم می‌کند و از سوی دیگر قیمت تمام شده محصول را به لحاظ ناتوانی در بهره‌گیری از فناوری جدید بالا می‌برد و در نتیجه توان رقابت روزبه‌روز تضعیف می‌شود.

است. استفاده از روش‌های سنتی در بخش‌های مختلف تولیدی و نبود کارشناسان و متخصصان در تمام عرصه‌های اقتصادی، سبب شده که ارزش افزوده تولیدی در بخش‌های گوناگون اقتصاد کشور در سطح قابل قبول نباشد و به همین جهت توان رقابت در بازارهای برون‌مرزی روزبه‌روز تحلیل می‌رود.

بررسی صادرات غیرنفتی ایران نشان می‌دهد که هنوز حدود یک‌سوم اقلام صادراتی را کالاهای سنتی تشکیل می‌دهد که بخش قابل توجهی از آن را محصولات کشاورزی دربرمی‌گیرد. اما نگاهی به بخش کشاورزی که تقریباً یک‌سوم اشتغال کشور را به خود اختصاص داده و ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کند، مشخص می‌سازد که به لحاظ فقدان بهره‌گیری از فناوری روز و متخصصان و کارشناسان کشاورزی در امور زراعی و باغبانی سبب شده که بازده این بخش در حد قابل قبول نباشد.

هنوز نیمی از آب مصرفی در بخش کشاورزی به هدر می‌رود و منابع خاک‌نه‌تنها به‌خوبی بهره‌برداری نمی‌شود، بلکه در برخی استان‌ها خاک کشاورزی به‌تدریج از دست می‌رود و زمین‌های زراعی به تدریج به شوره‌زار تبدیل می‌شود. این در

است، تربیت نیروی انسانی متخصص و بهبود مدیریت است که می‌تواند در کاهش ضایعات تولید، افت قیمت تمام شده، افزایش توان رقابت و ارزآوری مؤثر باشد. از این رو بخش‌های تحقیق و توسعه در کنار توسعه صنعت و در بخش خدمات فنی - مهندسی جایگاه ویژه‌ای دارد. اما سرمایه‌گذاری در این زمینه از سوی دولت و بخش خصوصی در حد بسیار نازلی است.

با وجود آن که شمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در رشته‌های مختلف در سال‌های اخیر پیوسته سیر صعودی داشته است، اما بازار کار مناسب برای آنان فراهم نیست. این امر دو موضوع را مطرح می‌سازد. اول آن که نظام آموزش عالی می‌بایست به پرورش و تربیت نیروی انسانی موردنیاز بخش‌های مختلف اقتصادی توجه کند و متناسب با تقاضای بازار برای خدمات نیروی انسانی به تربیت متخصص بپردازد.

دوم آن که با ترسیم دورنمای اقتصادی کشور بتواند نیازهای آینده را برآورد نموده و متناسب با آن به تربیت نیروی انسانی مبادرت ورزد تا بازار کار مناسب برای آنان در آینده فراهم شود.

در حال حاضر شمار فارغ‌التحصیلان برخی رشته‌ها بسیار بالاتر از نیاز جامعه است و

لذا بازار کاری برای آنها یافت نمی‌شود. اما در برخی رشته‌ها نیز نیروی انسانی کافی تربیت نشده است. بخش نفت و گاز مهم‌ترین بخش اقتصاد ایران است و به نظر می‌رسد که در یک دهه آینده نیز همچنان وابستگی اقتصاد کشور و درآمدهای ارزی و درآمد عمومی به این بخش حفظ خواهد شد.

اما به گفته مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، فقط یک درصد بودجه جاری شرکت ملی نفت ایران به پشتیبانی فعالیت‌های پژوهشی در این مجموعه اختصاص دارد.

«مهندس سیدمهدی میرمعزی» یکی از دلایل رشد نیافتن فعالیت‌های پژوهشی در کشور را حضور کم‌رنگ در بازارهای رقابتی و بازاریابی که مجبور به حفظ بقای اقتصادی هستیم، عنوان کرد.

وی با اشاره به این که پشتیبانی علمی و فنی از فعالیت‌های هر بخش در دستیابی به اهداف و سیاست‌های آن بخش حایز اهمیت است، افزایش ظرفیت تولید صیانت شده نفت و گاز متناسب با ذخایر موجود و برخورداری از افزایش قدرت اقتصادی، امنیتی و سیاسی، افزایش مناسب ظرفیت تولید گاز متناسب با حجم ذخایر کشور برای تأمین مصرف داخلی و حداکثر جایگزینی گاز با فرآورده‌های نفتی

را از سیاست‌های کلی نظام در خصوص صنعت نفت اعلام کرد.

اما وی با تأکید بر ضرورت برنامه‌ریزی برای پژوهش و توسعه گفت: داشتن منابع زیرزمینی به خودی خود ارزش محسوب نمی‌شود و فقط پیش‌شرط توسعه است. وجود نیروی انسانی متخصص و ماهر، دانش و اطلاعات لازم برای حمایت از نیروی انسانی، افزایش توانمندی نیروی انسانی، مدیریت و سازماندهی اجرای کار از اجزای توسعه فناوری است.

به عقیده برخی کارشناسان، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی بخش تحقیق و پژوهش در کشور، تعیین موقعیت علمی - تخصصی کشور، ایجاد تحول در رشته‌های علمی دانشگاهی، افزایش اثربخشی منابع علمی و پژوهشی و ارتقای بهره‌وری این بخش است. این در حالی است که توسعه علوم و فناوری به کاهش هزینه و زمان، افزایش کارایی ظرفیت بهبود کیفی کمک می‌کند.

آنچه مسلم است در کشور ما هنوز جایگاه نیروی انسانی در اقتصاد کشور و صادرات غیرنفتی شناخته نشده و حتی در بخش نفت که بیش از نیم قرن است، اقتصاد کشور را تغذیه می‌کند، جایگاه نیروی انسانی در توسعه این صنعت تعریف مشخصی ندارد.

و... و هدف‌گذاری برای رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با توجه به جایگاه مدنظر برای آن در نظام جهانی ضروری است. بر پایه چنین پیش‌فرضی می‌توان برنامه‌ریزی بخش‌های مختلف اقتصادی کشور و متناسب با آن برنامه‌ریزی برای تجهیز تمام منابع موردنیاز از جمله دانش و فناوری و نیروی انسانی را تدوین کرد و با وفاق ملی و بسیج تمامی اقشار مردم مسیر توسعه را هموار ساخت.

برطرف ساختن موانع و تنگناهای موجود تنها با داشتن دورنمایی شفاف از هدف غایی قابل حل و فصل است. با داشتن دیدگاه روشن نسبت به آینده حتی می‌توان برنامه‌ریزی برای کنترل کمی و کیفی جمعیت را هدفمند ساخت و فرصت زندگی کیفی و مناسب برای مردم فراهم ساخت. حرکت و سرمایه‌گذاری در فضایی گنگ و مبهم، منجر به اتلاف منابع، زمان و از دست رفتن فرصت‌های طلایی برای توسعه اقتصاد ملی و یافتن جایگاه مناسب برای ایران و ایرانی در عرصه بین‌المللی خواهد شد.

فقدان برنامه برای تربیت نیروی انسانی، نه تنها ضعف و کمبودهایی را در بخش‌های اولویت‌دار سبب می‌شود، بلکه به لحاظ نبود دیدگاه روشنی برای صدور خدمات در سال‌های گذشته، امروز نمی‌توانیم به اعزام برنامه‌ریزی شده متخصصان کشور به خارج مبادرت ورزیم و نتیجه کار به صورت فرار مغزها تجربه می‌شود و سال‌ها سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی بدون بازده برای اقتصاد ملی، به هدر می‌رود.

از سوی دیگر، فقدان توجه و تأمین منابع کافی برای بخش‌های پژوهش، تحقیق و توسعه سبب شده که در عرصه‌های تولید کالا نیز توان رقابت در عرصه بین‌المللی به وجود نیاید. از یک سو سرمایه‌گذاری‌های انجام شده مازاد بر نیاز بازار داخلی است. از سوی دیگر به لحاظ کیفیت، قابلیت عرضه و رقابت در بازارهای بین‌المللی را ندارد. خسارت‌های این چنینی سبب می‌شود که انگیزه برای سرمایه‌گذاری مولد روزه‌روز تضعیف شود. از سرمایه‌گذاری‌های گذشته بازده مناسب به دست نیاید و در نهایت عرصه تولید توان تضمین جهش صادرات غیرنفتی را نداشته باشد.

با این وصف، ابتدا نگاهی جامع به منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی، جمعیت

با این وصف بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده برای توسعه نیروی انسانی، هدفمندی و بازده مناسب را به بار نیاورده است. از آنجا که مسیر توسعه اقتصادی (دورنمای بیست سال آینده) مشخص نیست و نمی‌دانیم که با توجه به استعدادها، امکانات و توانمندی‌های مادی و معنوی کشور، خواستار دستیابی به چه جایگاهی در اقتصاد جهانی هستیم، نمی‌توانیم بخش‌های اولویت‌دار را به روشنی مشخص نموده، نیازهای توسعه آن به ویژه تربیت نیروی انسانی متخصص برای فعالیت در چنین بخش‌هایی را شناسایی و برای دستیابی بسه آنها برنامه‌ریزی‌های کوتاه، میان و بلندمدت را انجام دهیم.

همان‌گونه که در عرصه تولید یک سال مازاد تولید پیاز و کمپود سیب‌زمینی را مشاهده می‌کنیم و سال بعد نتیجه برعکس می‌شود، در تربیت نیروی انسانی نیز چنین عمل کرده‌ایم. ابتدا با کمبود پزشک و کارکنان بیمارستانی روبه‌رو بودیم، اما از آنجا که بدون برنامه و داشتن دورنمای روشن به تربیت نیروی انسانی متخصص در این بخش همت گماردیم، امروز با شمار بسیاری از پزشکان و پرستاران بیکار مواجه می‌باشیم. حتی در توزیع متخصصان این بخش در مناطق مختلف کشور نیز با مشکل مواجه هستیم.